



روایتی از مجاهدت‌های پشت جبهه دوران دفاع مقدس
که درس‌هایی برای حل مسائل امروز دارد

جهاد رزمندگان بدون اسلحه



حضور جهادی باتوان در یکی از
رختشورخانه‌ها و شستشوی لباس
رزمندگان در دوران دفاع مقدس

با یک امر و نباء عظیم روبه‌رو شود، در پی آن می‌گردد تا ببیند او در مقام یک فرد و شخص می‌تواند چه کاری انجام دهد و به چه میزان در این نباء عظیم سهیم شود؛ فرهنگی که جنگ و جهاد و دفاع را نه وسیله‌ای برای برتری طلبی فیزیکی و نظامی که مصداقی از تکلیف و ادای دین الهی می‌بیند. ادای دین و تکلیف الهی می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد و سلاح در دست گرفتن یکی از این مصادیق است. حال اگر نتواند سلاح به دست گیرد، در پی کار دیگر می‌گردد؛ آچار به دست می‌شود، یا خشکباری بسته بندی و به هدیه راهی معرکه خط مقدم جنگ حق علیه باطل می‌کند، **ادامه در صفحه ۳**

لاجرم آبرو و اعتبارش را گذاشت وسط و تعدادی از تعمیرکاران و صافکاران و گاراژداران را جمع کرد و رفت خوزستان تا اولین مقر تعمیر خودرویی را راه‌اندازی کند. حجم واقعیتی به نام جنگ که سر او هوار شده بود، آن قدر زیاد بود که عباس به جز وظیفه‌اش که سرپا کردن دوباره ماشین‌های رزمندگان و ارتش و سپاه باشد، به «هیچ» چیز دیگر فکر نمی‌کرد، ولو شهادت. خودش می‌گوید: «آن قدر کار سرم ریخته بود که فرصت فکر کردن به این چیزها نداشتم!»
پاسخ عباس، گزاره صادقانه یک نماد از فرهنگ عمومی است. نوعی از روحیه و فرهنگ کاری جامعه‌ای که زمانی

«اصلاً به شهادت فکر نمی‌کردم!» این جمله را راوی کتاب «عباس دست طلا» به نویسنده می‌گوید؛ زمانی که خاطره‌نگار از او درباره شهادت می‌پرسد. عباس یکی از گاراژداران و تعمیرکاران بزرگ میدان خراسان تهران بود که عمری را با ماشین و صافکاری و گلگیرهای کج و معوج و خودروهای تصادف‌کرده مردم سپری کرده بود. حرفه‌اش را سفت‌وسخت دنبال کرده و به آب و نان و اسم و اعتباری رسیده بود که جنگ شروع شد. عباس مرد اسلحه دست‌گرفتن نبود، این را خودش می‌گوید؛ اقامه آچار دست‌گرفتن و راست‌ورس کردن ماشین‌های جبهه بود.



گزارش
هفته

خطبه‌های انقلاب | ۳

با شناخت نقشه دشمن مصونیت ایجاد می‌شود

با افتخار ایرانی | ۴

نقدینگی با هدایت به سمت تولید کنترل شود

سخن هفته | ۲

نگاهی به ابعاد مسئله «اداء حق جامعیت اسلام» بر اساس بیانات رهبر انقلاب

احیای اسلام تمدن‌ساز

شهید هفته

شهیدان در برترین تجارت عالم برنده شده‌اند

این شماره تقدیم می‌شود به روح مطهر شهید مدافع حرم سید محمد حسین میردوستی

شهیدان برگزیدگانند؛ برگزیدگان خدای متعالند. شهیدان راه درست را انتخاب کرده‌اند، خدا هم آنها را برای رسیدن به مقصد انتخاب کرد. ارزش شهیدان با محاسبات مادی ما ارزش غیر قابل محاسبه‌ای است. شهیدان در برترین تجارت عالم برنده شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذْكَمَ عَلَي تِجَارَةٍ تُجِيعُكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» تا آخر؛ برنده‌ی بزرگ در این تجارت، شهدای ما هستند... ● ۱۴۰۰/۰۷/۲۴



نگاهی به ابعاد مسئله «اداء حق جامعیت اسلام» بر اساس بیانات رهبر انقلاب

احیای اسلام تمدن‌ساز

یکی از عرصه‌های مهم درگیری تمدن مادی غرب با اسلام به موضوع نگرش به دین و عرصه‌های دخالت آن در زندگی بشر برمی‌گردد: «اصراری وجود داشته است و دارد- که عمدتاً هم این اصرار از سوی قدرتهای سیاسی مادی است- بر اینکه اسلام را در عمل فردی و عقیده‌ی قلبی منحصر کنند... این تلاش در دنیای اسلام به طور برجسته مشاهده میشود.» ● ۱۴۰۰/۰۸/۰۲ از جهت سابقه‌ی تاریخی «حداقل از دو قرن پیش، جریانی به نام جریان تمدن صنعتی در دنیا شروع شد... در طول این دو قرن، بیشترین پرچمهای فکر و فلسفه که برافراشته شده، در جهت مقابله با تفکر معنوی و دینی بوده است... در کنار این جریان فکری، سیاستها حرکتی را مستقلاً به سمت ضدیت با دین و معنویت شروع کردند... وقتی که این جریان اوج‌گیرنده، به نقطه‌ی اوج غیرقابل‌تصور رسیده، قدم بعد جز این چیزی نبود که بنای دین و معنویت و اخلاق، یکی از میان جوامع برچیده شود.» ● ۱۳۶۹/۰۲/۲۲ درست در همین نقطه که جریان مادی‌گری و دین‌ستیز در نقطه‌ی اوج قدرت خود قرار داشت «ناگهان حادثه‌یی اتفاق افتاد... آن حادثه چیست؟ حادثه‌ی نهضت روحانیت و نهضت دین در ایران در سال ۱۳۴۱» ● ۱۳۶۹/۰۲/۲۲ و در ادامه‌ی این نهضت دینی «کشوری بر اساس دین و معنویت ایجاد شد... یعنی به مجردی که این نظام به وجود آمد، برای دشمنان دین و معنویت، کار از کار گذشت.» ● ۱۳۶۹/۰۲/۲۲ در واقع «انقلاب عظیم اسلامی در ایران مضمون بعثت را در دوره‌ی معاصر تجدید کرد؛ یعنی خداوند متعال به امام بزرگوار ما این توفیق را داد که خط مستمّر بعثت نبوی را در این دوران، با ابتکار خود، با شجاعت خود، با اندیشه‌ی بلند خود، با فداکاری خود پُررنگ کند و نمایان کند؛ [این] همان خطّ بعثت است که خب در طول زمان کم‌رنگ بود، امام بزرگوار توانست آن را پُررنگ کند و جامعیت اسلام را در عمل نشان بدهد، و نشان بدهد که اسلام یک دین جامع است و شامل همه‌ی زندگی انسان است؛ امام بزرگوار این را برجسته کرد؛ ابعاد اجتماعی و سیاسی دین را که به فراموشی سپرده شده بود، احیا کرد.» ● ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

حاکمیت الهی برای تحقق عدالت و حیات طیبه

در حقیقت دستاورد مهم انقلاب اسلامی احیای نگرش «جامع» به دین و تلاش در مسیر تحقق آن بوده است. در اینجا «جامعیت اسلام» معنای روشنی دارد: «در بعثت همه‌ی پیامبران اهدافی وجود داشته است... رأس همه‌ی این هدفها عبارت است از توحید... توحید هم فقط به معنای این نیست که انسان در ذهن خود عقیده پیدا کند که خدا یکی است و دو تا نیست؛ خب بله این هم هست لکن توحید به یک معنای مهمّی

است که به معنای حاکمیت الهی است؛ توحید به معنای حاکمیت مطلق پروردگار بر عالم تشریح و عالم تکوین- هر دو- است... هدفهای دیگری هم وجود دارد؛ تزکیه‌ی بشر... تعلیم انسانها و مقام علمی انسانها را بالا بردن. استقرار عدالت... ایجاد حیات طیبه... اگر چنانچه نبی اسلام، نبی حق، فرستاده‌ی الهی در هر دوره‌ای بخواهد این اهداف را تحقق ببخشد، ناچار بایستی به تناسب این اهداف، مناسبات اجتماعی ایجاد بکند. مطلب دوّم هم قدرت سیاسی است؛ یعنی این مناسبات اجتماعی را یک انسان منزوی یا یک نصیحت‌کننده که فقط مردم را نصیحت میکند نمیتواند به وجود بیاورد؛ قدرت لازم است.» ● ۱۳۹۹/۱۲/۲۱ و از سوی دیگر هم «چون مسائل اجتماعی و وظایف مهمّ جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در اسلام وجود دارد، لذا اسلام به مسئله‌ی حاکمیت هم اهتمام دارد.» ● ۱۴۰۰/۰۸/۰۲ چنین نگاهی به اسلام اولاً برآمده از متن قرآن است: «حاکمیت دین را قرآن به صورت روشن بیان کرده؛ واقعاً اگر کسی این را انکار کند، حاکی از این است که در قرآن تدبّر درست نکرده.» ● ۱۴۰۰/۰۳/۱۴ و ثانیاً «در سنت و حدیث و کلمات پیغمبر و کلمات معصومین هم که الی‌ماشاءالله [هست]... وقتی پیغمبر وارد مدینه شد، حکومت اسلامی را تشکیل داد، حاکمیت را به وجود آورد؛ این حاکمیت مربوط به پیغمبری او بود، یعنی مسئله‌ی دیگری نبود؛ چون پیغمبر بود، چون به او ایمان آورده بودند، این بود که حاکمیت را تشکیل داد.» ● ۱۴۰۰/۰۳/۱۴ از این منظر «آنچه میتواند حاکمیت صحیح را بر عهده بگیرد، جز دین چیز دیگری نیست. تفکیک دین از دنیا به این معنی، یعنی خالی کردن زندگی و سیاست و اقتصاد از معنویت؛ یعنی نابود کردن عدالت و معنویت.» ● ۱۳۸۴/۰۳/۱۴

از «اسلام قدرتمند» می‌ترسند...

در میدان عمل، تحقق چنین اسلامی در ایران قدرت‌های مادی را به شکست کشاند: «در منطقه‌ی غرب آسیا قدرتهای درجه‌ی یک مادی دنیا زمین‌گیر شده‌اند... چه مانع شده است از اینکه مقاصد اینها تحقق پیدا کند؟ اسلام انقلابی یا انقلاب اسلامی که امروز در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده.» ● ۱۳۹۵/۰۵/۳۱ و دقیقاً به همین علت است که «از اسلام می‌ترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی مسلح است، دارای توانایی‌های علمی است، دارای توانایی‌های بین‌المللی [است].» ● ۱۳۹۵/۰۵/۳۱ از این زاویه، دشمنان ضربه خورده از حاکمیت «اسلام ناب» و مقتدر می‌خواهند «اسلام را در عمل فردی و عقیده‌ی قلبی منحصر کنند... سعی

هم میکنند که شکل سیاسی به این [کار] ندهند و شکل فکری بدهند؛ به تعبیر فرنگی تئوریزه کنند این را. به متفکرین و نویسندگان و فعالان فکری و مانند اینها مأموریت داده میشود تا درباره‌اش مطلب بنویسند و اثبات کنند که اسلام به مسائل اجتماعی، مسائل زندگی، مسائل اساسی بشریت کاری ندارد؛ اسلام یک عقیده‌ی قلبی است، یک ارتباط شخصی است با خدا.» ● ۱۴۰۰/۰۸/۰۲ در این نقشه «متأسفانه کسانی هم بوده‌اند و هستند که حرف دشمنان را به یک نحوی در داخل تکرار میکنند؛ این ایدئولوژی‌زدایی که گاهی می‌بینید در بعضی از تعبیرات هست، همان حرف مخالفین است؛ ایدئولوژی‌زدایی یعنی اسلام و تفکر اسلامی را در باب جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی کنار بگذاریم، و برویم سراغ همان تفکرات لیبرال‌دموکراسی فاسد و منحرف.» ● ۱۴۰۰/۰۳/۱۴ و «بعضی‌ها که در حرفها و نوشتجات و اظهارات این تعبیر «اسلام رحمانی» را به کار می‌برند، انسان مشاهده میکند و خوب احساس میکند که این اسلام رحمانی یک کلیدواژه‌ای است برای معارف نشئت‌گرفته‌ی از لیبرالیسم.» ● ۱۳۹۴/۰۴/۲۰ در این چهارچوب «سکولاریسم به معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بُروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد.» ● ۱۳۹۵/۰۵/۳۱

وظیفه همگانی: از تبیین تا تحقق

مسلم است که «آن اسلامی میتواند کفر را و استکبار را و ظلم را قلع و قمع کند یا او را محدود کند یا از تجاوز و تعدّی او جلوگیری کند که دارای نظام باشد، دارای دولت باشد، دارای نیروی نظامی باشد، دارای رسانه باشد، دارای سیاست باشد، دارای اقتصاد باشد، ابزارهای فراوان در اختیار او باشد؛ اسلامی که توانسته نظام‌سازی کند و حکومت‌سازی کند.» ● ۱۳۹۵/۰۳/۰۶ و امروز دشمن علیه این بینش و جریان با تمام قدرت فعالیت می‌کند لذا در چنین فضای مبارزه و جهادی باید «حقّ جامعیت اسلام» را اداء کرد یعنی «تلاش کنیم نظر اسلام را درباره‌ی خودش که به کدام عرصه از عرصه‌های زندگی اهتمام می‌ورزد، در آنها نظر دارد، اقدام دارد، تبیین کنیم، ترویج کنیم، بیان کنیم؛ اوّل قدم این است، بعد هم سعی کنیم [این مطلب] تحقق پیدا کند.» ● ۱۴۰۰/۰۸/۰۲ کلام آخر اینکه در این زمینه «روشنفکران دینی وظیفه دارند، علما وظیفه دارند، نویسندگان وظیفه دارند، محققین وظیفه دارند، اساتید دانشگاه وظیفه دارند این را تبیین کنند؛ این را باید بگویند... مسئولین کشور، بخصوص مسئولین فرهنگی و افرادی که در زمینه‌هایی، منبرهای مهمّ اجتماعی در اختیار اینها است، بایستی این را تبیین کنند.» ● ۱۴۰۰/۰۸/۰۲

ادامه از صفحه ۱

یا زنان و دختران محل را جمع می‌کند و یکی از مراکز پشتیبانی جنگ را در دل محله آرام و بی‌سروصدای خودش علم می‌کند. جهاد این رزمندگان بدون سلاح، برگ‌هایی درخشان از تاریخ مقاومت این ملت است که رهبر انقلاب با اشاره به یک کتاب، از مجاهدت‌های پشت جبهه این گونه روایت می‌کند: «من اخیراً یک کتابی خواندم به نام حوض خون - البته من در اهواز دیده بودم، خودم مشاهده کردم آن جایی را که لباس‌های خونی رزمندگان را و ملحفه‌های خونی بیمارستان‌ها و رزمندگان را می‌شستند؛ این کتاب تفصیل این چیزها را نوشته؛ انسان واقعاً حیرت می‌کند؛ انسان شرمند می‌شود در مقابل این همه خدمتی که این بانوان انجام دادند در طول چند سال و چه زحماتی را متحمل شدند؛ این‌ها چیزهایی است که قابل ذکر کردن است.» (۱۴۰۰/۰۷/۲۴)

جهاد فقط با سلاح نیست

با چنین نگاهی است که جنگ و جهاد لزوماً به خط اول نبرد و توپ و تانک و موشک خلاصه نمی‌شود. عالم و دنیایی می‌شود به بزرگی همه افراد جامعه‌ای که یک تنه مشغول جهاد هستند. جامعه در چنین نگاهی یک کلیت درهم تنیده است که رتق و فتق درگیری نظامی را لزوماً وظیفه نهادهای دولتی و حکومتی و نظامی نمی‌بیند، بلکه خود را به اندازه وسع و توانایی و بضاعتی که دارد در آن شریک می‌داند. اگرچه در دورافتاده‌ترین نقاط از خط مقدم نبرد باشد. مزار شهدایی که در تک‌به‌تک روستاهای این دیار، پرچم عزت و ایستادگی محسوب می‌شوند، گواه روشن این ادعاست. این همان چیزی بود که دشمن در نبرد تحمیلی هشت ساله - که در قالب مترسکی به نام صدام علیه ایرانیان علم کرد - حسابش را نکرده بود.

همین روحیه و فرهنگ بود که باعث شد جمهوری اسلامی توانایی مقاومت در برابر جنگی نابرابر را داشته باشد؛ روحیه و فرهنگی که خاص این جامعه است و جزو ویژگی‌ها و توانایی‌های آن در زمانه بحران‌ها محسوب می‌شود؛ به تعبیر رهبر انقلاب «یکی از چیزهایی که به نظر من جزو شاید بشود گفت - حالا من دقیق نمی‌توانم ادعا کنم، اما به نظر می‌رسد - جزو اختصاصات کشور ما و جنگ ماست، این خدماتی است که توی خانه‌ها و توی مراکز زنانه و مردمی و این‌ها انجام گرفته. فرض کنید که در خانه‌هایی غذا درست کردند، کمپوت درست کردند، نان پختند و فرستادند، جنگی فراهم کردند، نان پختند و فرستادند، این‌ها چیزهای عجیب‌غریبی است، این مردها و این زن‌ها با چه انگیزه‌هایی، با چه همتی این کار را کردند؟ ... یا تشییع جنازه‌ها؛ یکی از چیزهای مغفولی که رویش توجه نشده تا حالا، باید حتماً توجه بشود، تشییع جنازه شهداست در دوران جنگ، الان هم همین جور است؛ حالا هم که گاهی اوقات استخوان‌های یک شهید را وارد یک شهری می‌کنند، چه تشییع جنازه‌ای انجام می‌گیرد. در دوران جنگ هر چند روز یک‌بار در این شهرها، در زنجان شما و جاهای دیگر همین‌طور تشییع جنازه‌های عظیمی راه می‌افتاد، مردم می‌آمدند،

شعرا شعر می‌گفتند، نوحه درست می‌کردند، سینه می‌زدند، به نام شهدا، به یاد شهدا؛ این‌ها، این‌ها هیچ‌جا در دنیا نیست، این‌ها چیزهای عجیب‌غریبی است، این‌ها به یاد ماندنی است، این‌ها را باید ثبت کرد، این‌ها را باید نگه داشت.» (۱۴۰۰/۷/۲۴)

انگیزه دینی عنصر پر قدرت در دفاع مقدس

دفاع مقدس نشان داد که مردم ایران در مقابل دشمن ید واحد هستند و مردوزن ایرانی در هر سن و سالی دوشادوش یکدیگر، در مقابل دشمن ایستاده و از بذل جان تا خرج مال و منال برای دفاع از دین و کشور کم نمی‌گذارد؛ مجاهدت‌هایی که نشانه دیانت و اعتقاد عمیق مردم به ارزش‌های اسلامی است، این واقعیتی است که کمتر بیان شده و رهبر انقلاب با اشاره به اینکه بعضی می‌خواهند عنصر پر قدرت دین را ندیده بگیرند بر همین نکته تاکید کردند که: «یک تعدادی از این شهدا تک‌پسرهای خانواده‌ها بودند؛ اینکه این مادر و این پدر آماده هستند که این تک‌پسر را بفرستند به میدانی که ممکن است برنگردد، از چه چیزی ناشی می‌شود؟ این جز با نگاه به دین، به رضای الهی، به ثواب الهی و به وظیفه‌ی دینی از چیز دیگری ناشی می‌شود؟ خود این جوان که این جور حرکت می‌کند و میرود در مقابل این خطرات بزرگ جان خودش را و سینه‌ی خودش را سپر می‌کند، انگیزه‌ی دینی دارد. حضور این عنصر پر قدرت، از لحاظ جامعه‌شناختی کشور و از لحاظ روان‌شناختی مردم کشور بایست تحلیل بشود، بررسی بشود؛ [باید] روی این کار کنند.» (۱۴۰۰/۷/۲۴)

عبور از مشکلات با اتکاب به مردم

دفاع مقدس یک لبه تیز در خط مقدم و وسط میدان داشت که همان حماسه جهاد و دفاع بود؛ اما این لبه تیز حکم قله یک کوه یخ را دارد که از آب بیرون زده و دیده می‌شود. این قله روی بنیان محکم اجتماعی و فرهنگی و مردمی بنا شده است که کمتر دیده می‌شود. آن قله و لبه تیز اگر قدرت و برندی دارد، به پشتوانه بنای مستحکم اجتماعی است که تأمین قدرت می‌کند. این بنیان محکم در هنگامه و زمانه بحران‌ها قدرت خود را به رخ می‌کشد و جنگ تحمیلی یکی از این بزنگاه‌ها بود. جمهوری اسلامی در تاریخ پس از انقلاب هر گاه توانسته این بنیان مستحکم و ریشه‌دار فرهنگی را به خدمت بگیرد، توانسته از معضلات پیش رو بگذرد. نهادسازی‌های انقلابی مانند نهضت سوادآموزی، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و امثالهم همگی مصادیق از به خدمت گرفتن این بنیان اجتماعی در مسیر اهداف انقلابی است که جملگی موفق عمل کردند. جنگ تحمیلی گنجینه‌ای ارزشمند از این فرهنگ و یک نمونه مطالعاتی در دسترس برای بررسی و نظریه‌پردازی است؛ گنجینه‌ای که هنوز هم بسیاری از کنشگران انسانی آن در دسترس هستند؛ کنشگرانی مانند زنان رخت‌شوی خانه در خوزستان و عباس دست طلاها که هر چند اسلحه به دست نداشتند، اما در سهیم بودن در این فرهنگ به اندازه مجاهدانی که در خط مقدم اسلحه دست گرفته بودند، سهیم‌اند. از این جهت، سخن گفتن و بزرگداشت نام و یاد این بزرگواران، الگویی برای حل مشکلات امروز محسوب می‌شود.

هدف از بعثت انبیا

اقامه عدل و قسط در جامعه است

یکی از مهم‌ترین و شاید بشود گفت مهم‌ترین هدف میانی بعثت پیغمبران، عدالت است. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ (۱) اصلاً هدف ارسال رسل و انزال کتب این بود که قیام به قسط بشود، جامعه قائم به عدل و قسط باشد. در قرآن کریم از قول پیغمبر [میفرماید]: وَأُمِرْتُ لِأَعِدِلَ تَبَيَّنْكُمْ؛ (۲) این هم امر خدا است که بایستی عدالت انجام بگیرد. همه‌ی عقلای عالم هم البته این را قبول دارند؛ یعنی حتی ظالم‌ترین قدرتهای عالم و عناصر شریر عالم نمی‌توانند منکر حُسن عدالت بشوند؛ حتی بعضی‌ها با وقاحت تمام، ادعای عدالت هم می‌کنند، در حالی که ظالمند! قرآن کریم عدالت را حتی در مورد دشمنان لازم میدانند؛ این کسی که دشمن ما است، در مورد او بی‌عدالتی نباید بکنیم. وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلْقَوٰی؛ (۳) با دشمن هم حتی بایستی شما با عدالت رفتار بکنید. ● (۱۴۰۰/۰۸/۰۲)

۱. سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵ - ۲. سوره‌ی شوری، بخشی از آیه‌ی ۱۵ - ۳. سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۸

درس اخلاق

ترک گناه با اراده انسان آسان می‌شود

بعضی از جوانان در مراجعاتی که دارند، به بنده التماس دعا که می‌کنند، از جمله مکرر می‌گویند شما دعا کنید که ما بتوانیم گناه نکنیم. البته دعا کردن خوب و لازم است و می‌کنیم؛ اما گناه نکردن، به اراده انسان احتیاج دارد. باید تصمیم بگیرد که گناه نکند و وقتی تصمیم گرفتید، این کار بسیار آسانی خواهد شد. اجتناب از گناه، چیزی است که مثل یک کوه در چشم انسان جلوه می‌کند؛ اما با تصمیم، مثل یک زمین هموار می‌شود. ● (۱۳۷۸/۰۹/۲۶)

خطبه‌های انقلاب

با شناخت نقشه دشمن مصونیت

ایجاد می‌شود

یک ملت زنده و ملتی که اهل پیشرفت است، از جمله کارهایی که در کنار سازندگی، در کنار پیشرفت علمی و در کنار کارهای بزرگ، حتماً باید از آن غفلت نکند، شناخت هدفهای دشمن در هر مرحله است. این خاصیت زنده بودن است. نمی‌شود ملتی را فرض کرد که آرمانهای بزرگی داشته باشد و بخواهد کارهای بزرگی بکند؛ اما دشمن نداشته باشد. در جبهه، یک فرمانده خوب، آن کسی است که بتواند بفهمد دشمن از کجا می‌خواهد حمله کند و این را به نیروهای خودش تفهیم نماید. در دوران جنگ تحمیلی، جوانانی که آن روز در میدان جنگ بودند، این نکته را خیلی خوب میدانند. اگر در هر نقطه‌ای که شما هستید، بتوانید بفهمید دشمن در فکر چیست، یقیناً مبالغ زیادی از حمله دشمن را پیشگیری خواهید کرد و خودتان را مصونیت خواهید بخشید و کارهایی را که باید انجام دهید، انجام خواهید داد. ● (۱۳۷۸/۰۹/۲۶)



قرآن همه‌امور مورد احتیاج انسان را در بر دارد

قانون الهی غیر از این قوانین دنیایی است؛ در این قوانین دنیایی یک جهت، دو جهت ملاحظه شده است. اما قوانین الهی از قبل از اینکه انسان بیاید در این عالم؛ دستور هست؛ قدم به قدم، اسلام قانون دارد، تا آن وقتی که می‌خواهد بمیرد، قوانین هست؛ برای بعد از موت قوانین هست. مثل قوانین اینجا و بشر نیست که نتواند جز همین پرده مادی را ببیند. همه پیغمبرها که تشریف آوردند، برای تربیت این بشر به همه ابعادش، غیر انبیا نمی‌توانند به همه ابعاد تربیت بکنند. قرآن و اسلام هم راجع به جنگها صحبت دارد، و هم راجع به صلحها صحبت دارد و هم راجع به تربیت اخلاقی حرف دارد، هم راجع به تربیت بدنی دارد. همه چیز در قرآن هست. قرآن مشحون از همه اموری است که انسان به آن احتیاج دارد. ● ۱۳۵۷/۰۷/۲۴

بسیج به معنای آمادگی و هوشیاری دائمی ملت است

نام بسیج، نام مقدسی است. بسیج عمومی یک ملت یعنی آمادگی و هوشیاری دائمی یک ملت، بخصوص جوانهایی که در راه تحصیل علمند؛ دانش آموزی و دانشجویی. مسئولان کشور هم همین‌جور؛ همه باید به این معنا، بسیجی باشند. اینکه شد، ملت میشود آسیب‌ناپذیر. روزه روز ملت رشد پیدا میکند و این در کشور ما اتفاق افتاده است؛ لذا روزه روز کشور ما رشد کرده است. جوانان عزیز! این راه را ادامه دهید. آینده‌ی کشور روشن است، افقها بسیار تابان است؛ اما به اراده‌ی شما بستگی دارد، به فعالیت شما، به کار شما، به پرداختن شما به خودسازی؛ خودسازی علمی، خودسازی دینی، پاک نگه داشتن دامن روح و دل نورانی - که خدا به شما داده است - در همه‌ی میدانها؛ فعالیت، تلاش، سرزندگی؛ این عاملی است که کشور شما را به اوج قدرت و عزت ان شاء الله خواهد رساند. ● به مناسبت هشتم آبان ماه؛ روز نوجوان و روز بسیج دانش آموزی



سخنرانی آیت الله خامنه ای مقابل لانه جاسوسی در سال ۱۳۵۸

بررسی وقایع ۱۳ آبان نشان دهنده سیر حرکت استکبار در مقابل مردم ایران است

سه چهره از استکبار در روز سیزدهم آبان ماه دیده میشود؛ یکی در دوران اوج اقتدار امریکا در ایران که کاپیتولاسیون را به وجود میآورد؛ قضیه دوم در هنگام اوج مبارزات همین ملت با استکبار است که نشان دهنده خوی دژندگی استکبار است که حتی دانش آموز و نوجوان را به خاک و خون میکشد. قضیه سوم هم مربوط به وقتی است که این ملت انقلابش پیروز شده است و دولت تشکیل داده؛ اما آنها جاسوسی میکنند! این جا ملت مقتدرانه وارد میدان میشود و ماجرای سفارت امریکا اتفاق میافتد. اینها سه رمز و سه نماد بودند. اگر این سه قضیه را بر روی هم جمع کنید، به طور کلی چهره استکبار، چهره مردم مظلوم، سرنوشت استکبار و سیر حرکت استکباری در کشور ما شناسایی میشود. ● ۱۳۷۸/۰۸/۱۲

اعتماد مردم

بزرگ‌ترین سرمایه‌ی دولت است

مسئله‌ی احیای اعتماد مردم و امید مردم بسیار چیز مهمی است؛ چون اعتماد مردم بزرگ‌ترین سرمایه‌ی دولت است. مردم وقتی به شما اعتماد کردند و امید به شما داشتند، با شما راه می‌آیند و کمکتان میکنند؛ این بزرگ‌ترین سرمایه است برای دولت که بتواند اعتماد مردم را جلب کند که البته این متأسفانه یک مقداری آسیب دیده و بایستی ترمیم کنید این را و راهکارش هم این است که حرف و عمل مسئولین یکی باشد؛ وعده‌ای اگر به مردم دادید، طبق آن وعده اگر عمل کردید، مردم به شما اعتماد پیدا میکنند؛ اگر شما وعده کردید و عمل نشد یا گفتید فلان کار شده، مردم در واقعیت دیدند نشده، اعتماد مردم سلب میشود؛ واقعاً باید خیلی بجد مراعات کنید این معنا را. ● ۱۴۰۰/۶/۶

حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کم‌رنگ نشود

زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب، یک روزی نقش آفرینی برجسته‌ای کردند - هم اندکی پیش از پیروزی انقلاب، هم در اوایل انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی - و از خودشان حضور نمایانی نشان دادند؛ نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کم‌رنگ بشود. دیگران در مواجهه‌ی با انقلاب و معارضه‌ی با انقلاب سعی میکنند از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده کنند؛ جبهه‌ی انقلاب، زنان کارآمد و فعال و زبان آور و نویسنده و عالِم و دانشمند بر مراتب بیشتر دارد؛ خانمهایی که اهل اقدامند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی‌اند، اهل سخن گفتند، اهل فکر دادند، صحنه‌ی انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند. ● ۱۳۹۲/۰۲/۲۱

نقدینگی با هدایت به سمت تولید کنترل شود

باید راهی پیدا کنید که نقدینگی افزایش یافته کنترل شود. خوب، این روشن است؛ اگر در مقابل نقدینگی تولید وجود داشته باشد، کالا وجود داشته باشد، کمبود وجود نداشته باشد، مشکلی را ایجاد نمیکند؛ اگر چنانچه نه، نقدینگی بیش از تولید کالا در داخل یا به شکل درست واردات بود، طبیعاً مشکل ایجاد میکند. ... برای این مسئله باید راهکار پیدا کنید. شما افراد صاحب علمی هستید، صاحب تجربه هستید، دستتان در کار است؛ برای اینها راه پیدا کنید. این نقدینگی افزایش یافته را هدایت کنید به سمت مراکز که کمک کند به گشایش کار مردم؛ مثل تولید. ● ۱۳۹۱/۰۶/۰۲

حکم خرید و فروش نسبه به قیمت بیش از نقد

سؤال: آیا خرید کالایی به طور نسبه به قیمتی بیشتر از قیمت نقدی آن جایز است؟ آیا این معامله، ربا محسوب می‌شود؟

جواب: خرید و فروش نسبه کالا به مبلغی بیشتر از قیمت نقدی آن اشکال ندارد و تفاوت نقد و نسبه ربا محسوب نمی‌شود.